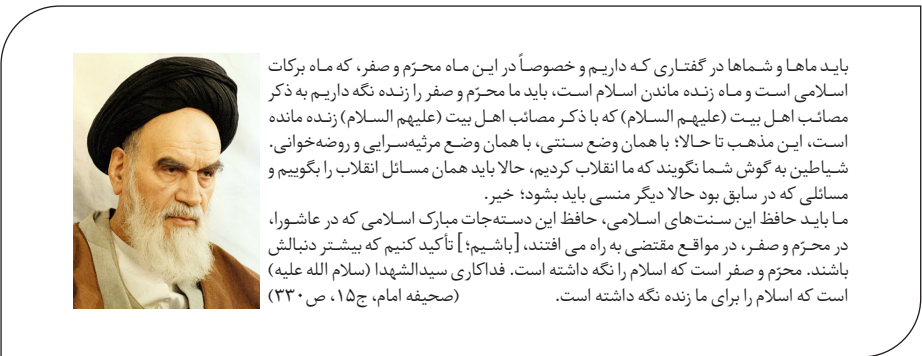


حیات طیه

هفته نامه‌ای
برای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت



باید ماها و شماها در گفتاری که داریم و خصوصاً در این ماه محرم و صفر، که ماه برکات اسلامی است و ماه زنده ماندن اسلام است، باید ما محرم و صفر را زنده نگه داریم به ذکر مصائب اهل بیت (علیهم السلام) که با ذکر مصائب اهل بیت (علیهم السلام) زنده مانده است، این مذهب تا حالا؛ با همان وضع سنتی، با همان وضع مرثیه‌سرایی و روضه‌خوانی، شیاطین به گوش شما نگویند که ما انقلاب کردیم، حالا باید همان مسائل انقلاب را بگویم و مسائلی که در سابق بود حالا دیگر منسی باید بشود؛ خیر.

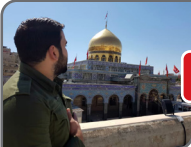
ما باید حافظ این سنت‌های اسلامی، حافظ این دسته‌جات مبارک اسلامی که در عاشورا، در محرم و صفر، در مواقع مقتضی به راه می افتند، [باشیم؛] تأکید کنیم که بیشتر دنبالش باشند. محرم و صفر است که اسلام را نگه داشته است. فداکاری سیدالشهدا (سلام الله علیه) است که اسلام را برای ما زنده نگه داشته است.

جمعه ۲۲ مرداد ۱۴۰۰ محرم ۱۳۱۴۴۲ آگوست ۱۲۰۲۱ شماره ۴۱۴۸۱ صفحه

در این شماره می‌خوانید



یک آزادهٔ تخریب‌چی در گفت‌وگو با حیات طیه: **عشق به امام خمینی(ره) یک افسر عراقی من را زنده گذاشت**



داستان یک مدافع حرم از سفر برای زیارت: **خانواده‌ام خبر نداشتند**



روایت یک بازگشت با لباس بسیجی: **آن شب خواب به چشم‌مان نیامد**



گفت‌وگو با همسر نخستین شهید مدافع سلامت استان تهران: **دکتر فتح‌آبادی عاشق شهادت بود**

رییس بنیاد شهید و امور ایثارگران در نشست با اهالی رسانه:

حضرت سیدالشهدا(ع) و یاران بزرگوار ایشان در تاریخ ماندگار شدند



معاون رییس جمهور و رییس بنیاد شهید و امور ایثارگران، روز دوشنبه ۱۸ مرداد به مناسبت «روز خبرنگار» در نشست صمیمی با خبرنگاران و اهالی رسانه گفت‌وگو کرد.

«مهندس سعید اوحدی» در این نشست ضمن گرامیداشت یاد و خاطرهٔ شهید و تیریک روز خبرنگار گفت: تقارن روزهای آغازین محرم، سالگرد شهادت «شهید محسن حججی» که به‌عنوان «روز بزرگداشت مدافعان حرم» نام‌گذاری شده و گرامیداشت مقام خبرنگار شاید از حکمت‌های الهی باشد که باید آن را به فال نیک گرفت. رییس بنیاد شهید و امور ایثارگران در ادامه ضمن تسلیت فرارسیدن ایام محرم، قدرت انتخاب و اختیار را یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات در عالم خلقت خواند و افزود: خداوند پس از اینکه قدرت اختیار و انتخاب را به انسان عنایت کرد، تأکید می‌فرماید: که ای انسان ما تو را به راه راست هدایت کردیم و راه را به تو نشان دادیم، یا شکرگزار آن هستی یا ناسپاس.

اوحدی با اشاره به حدیث «انا الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاة» اضافه کرد: این‌ها جزو علاماتی هستند که خداوند برای انتخاب مسیر درست در اختیار ما قرار داده است و هرکسی طبق این علامات دست به انتخاب بزند، جاودان خواهد شد. معاون رییس جمهور با اشاره به واقعهٔ عاشورا و تقابل خیر مطلق و شر مطلق در برابر هم، عنوان کرد: در واقعهٔ عاشورا در ظاهر لشکر عمر سعد پیروز شد؛ اما آنچه در تاریخ ماندگار می‌شود، حضرت سیدالشهدا(ع) و یاران بزرگوار ایشان هستند؛ چراکه خود خداوند در قرآن فرمودند: شهدا زنده و جاوید هستند.

وی افزود: وصیت‌نامهٔ شهدا و کلام و گفتار ایشان هم که همیشه زنده و ساری و جاری است، مصداق همان بشارت «یستبشرون بالذین یلحقو بهم» است که خداوند در قرآن دربارهٔ شهدا می‌فرماید. اوحدی با اشاره به ندای «هل من ناصر ینصرنی» به‌عنوان آخرین کلام حضرت سیدالشهدا(ع) در کربلا، عنوان کرد: حضرت اباعبدالله با وجود اینکه می‌دانست کسی دیگر همراه او نیست، اما باز این ندا را سرداد تا در طول تاریخ باقی بماند و هرکسی در هر زمانی تا به قیامت گره از کار کسی بکشاید به این ندای حضرت سیدالشهدا لبیک گفته است. اگر ما هم در بنیاد شهید و امور ایثارگران به دنبال گره‌گشایی از بهترین خلق هستیم، به امید توفیق لبیک به همین ندای حضرت اباعبدالله است. رییس بنیاد شهید و امور ایثارگران در بخش دیگر صحبت‌های خود ضمن گرامیداشت یاد و خاطرهٔ شهدای رسانه و خبرنگار عنوان کرد: ما در کشور حدود ۲۵۰ شهید، ۵۰ جانباز و ۵۰ آزاده خبرنگار داریم و اگر امروز برای بزرگداشت مقام این عزیزان اینجا جمع شده‌ایم، نه یک مراسم کلیشه‌ای بلکه برای تأکید بر جایگاه خلیف خبرنگاران و رسانه به‌ویژه در این برههٔ بسیار حساس تاریخی است.

اوحدی با بیان اینکه ما امروز در یک جنگ نرم تمام عیار هستیم، اضافه کرد: ویژگی جنگ نرم آسیب محور بودن آن است. ما به کثرت شاهد هستیم که ارتش رسانه‌ای دشمن با تمام قوا در میدان حاضر شده، مشکلات ریز و درشت کشور را پیدا می‌کند و آن را بر جسته می‌کند. نمونهٔ آن را هم در روزهای اول شیوع کرونا شاهد بودیم که کمبودها را با ضریب بالای اعلام می‌کردند و سعی داشتند مردم را به جان یکدیگر بیندازند.

ادامه در صفحه ۲



تبیین رهبر معظم انقلاب اسلامی از معانی عمیق قیام امام حسین^(ع) و آثار اجتماعی مکتب عاشورا

ملت عزیز در ایام محرم و صفر باید روح حماسه را در خودشان تقویت کنند

این روزها با فرا رسیدن ماه محرم، ایران اسلامی حال و هوایی متفاوت به‌خود گرفته است. پرچم‌های عزا به نشانهٔ تعظیم و تکریم قیام خونین کربلا در جای جای شهر برافراشته شده است.

ماه محرم قلهٔ ایثار و فداکاری در فرهنگ شیعیان و جهان اسلام شناخته می‌شود و انقلاب و نظام اسلامی ایران در صحنهٔ بین‌المللی به عنوان میراث‌دار و احیا‌کنندهٔ نهضت ظلم‌ستیزی امام حسین (ع) به‌حساب می‌آید.

بزرگان انقلاب اسلامی از امام را احل (ره) تا رهبر معظم انقلاب در فرصت‌های ماه محرم، کوشیده‌اند روح مبارزه با جبههٔ جور و نفاق را به عنوان فلسفهٔ قیام سیدالشهدا زنده نگه‌دارند و در فرصت‌های مختلف عبرت‌ها و درس‌های عاشورا را برای مشتاقان حقیقت در ایران و اقضا نقاط جهان بازگو کنند. مقام معظم رهبری در دیدارهای مختلف خویش با فعالان مجالس تعزیهٔ حسینی (ع) بر مفاهیم و آموزه‌های بزرگ این مکتب مثل ایثار و فداکاری، بصیرت، شجاعت، سازش‌ناپذیری با جبههٔ نفاق و تزویر تأکید ورزیده‌اند.

از منظر رهبر معظم انقلاب، محرم و عاشورا الگویی برای بیداری امت اسلامی و دمیدن روح مبارزه و مقاومت در برابر سلاطین جور در گسترهٔ تاریخ بوده و هست. ایشان به تأسی از آموزه‌های رهبری امام خمینی (ره)، قدرت و شکوفایی امروز اسلام را در گرو زنده نگه‌داشتن پیام و تفکر عاشورا خوانده‌اند.

مجموعه بیانات مقام معظم رهبری در باب نهضت امام حسین (ع)، تحلیلی جامع از قیام عاشورا ارائه می‌کند. این بیانات در کتابی با نام «چهار گفتار» گردآوری شده است. ایشان در این گفتارها، به تحلیل قیام حضرت اباعبدالله (علیه السلام) یا رویکرد اجتماعی پرداخته‌اند. محور مهم و مشترک این گفتارها این است که واقعهٔ عاشورا یک منبع معرفتی عظیم برای انقلاب اسلامی است. گزارش حاضر برگرفته از تبیین و تحلیل‌های رهبر معظم انقلاب از قیام خونین امام حسین (ع) و نقش دوران‌ساز واقعهٔ عاشورا در شکل‌گیری هویت و قدرت مسلمانان و جهان تشیع است.

هدف اصلی قیام امام چه بود؟

دربارهٔ هدف قیام اباعبدالله (ع) نه می‌توانیم بگویم که حضرت قیام کرد برای تشکیل حکومت و هدفش تشکیل حکومت بود، و نه می‌توانیم بگویم حضرت برای شهید شدن قیام کرد. کسانی که گفته‌اند «هدف، حکومت بود» یا «هدف، شهادت بود» میان هدف و نتیجه، خلط کرده‌اند. نخیر؛ هدف، این‌ها نبود.

امام حسین (ع) هدف دیگری داشت: منتها رسیدن به آن هدف دیگر، حرکتی را می‌طلبد که این حرکت، یکی از دو نتیجه را داشت: «حکومت» یا «شهادت» البته حضرت برای هر دو هم آمادگی داشت. هم مقدمات حکومت را آماده کرد و می‌کرد؛ هم مقدمات شهادت را آماده کرد و می‌کرد. هدف امام حسین (ع) عبارت است از بازگرداندن جامعهٔ اسلامی به خط صحیح. آن وقتی که راه عوضی شده است و جهالت و ظلم و استبداد و خیانت کسانی، مسلمین را منحرف کرده و زمینه و شرایط هم آماده است.

(۱۳۷۴/۰۳/۱۹)

عاشورا؛ روح انقلاب اسلامی ایران

در مورد مسأله محرم و عاشورا، باید بگویم که روح نهضت ما و جهت‌گیری کلی و پشتوانهٔ پیروزی آن، همین توجه به حضرت اباعبدالله(ع) و مسائل مربوط به عاشورا بود. امام در دو فصل، مسألهٔ نهضت را به مسألهٔ عاشورا گره زدند: یکی در فصل اول نهضت یعنی روزهای محرم سال ۴۲- که تریبون بیان مسائل نهضت، حسینی‌ها و مجالس روضه‌خوانی و هیأت سینه‌زنی و روضه‌خوان‌ها و ذکر مصیبت‌گویندگان مذهبی شد و دیگری، فصل آخر نهضت یعنی محرم سال ۵۷- بود که امام (ره) اعلام فرمودند: ماه محرم گرامی و بزرگ داشته بشود و مردم مجالس برپا کنند.

ایشان، عنوان این ماه را ماه پیروزی خون بر شمشیر قرار دادند و مجدداً همان طوفان عظیم عمومی و مردمی به وجود آمد؛ یعنی ماجرای نهضت که روح و جهت حسینی داشت، با ماجرای ذکر

مصیبت حسینی و یاد امام حسین (ع) گره خورد. (۱۳۶۸/۵/۱۱)

روح حماسه، شجاعت و سلحشوری

در ایام محرم و صفر، ملت عزیز ما، باید روح حماسه را، روح عاشورایی را، روح نترسیدن از دشمن را، روح توکل به خدا را، روح مجاهدت فداکارانه در راه خدا را در خودشان تقویت کنند و از امام حسین (علیه السلام) مدد بگیرند. مجالس عزاداری برای این است که دل‌های ما را با حسین بن علی (علیه السلام) و اهداف و افکار بزرگوار نزدیک و آشنا کند. یک عده کج فهم نگویند که امام حسین (علیه السلام) شکست خورد، یک عده کج فهم نگویند که راه امام حسین (علیه السلام) معنایش این است که همهٔ ملت ایران کشته شوند. کدام انسان نادانی، چنین حرفی را ممکن است بزند. یک ملت از حسین بن علی (علیه السلام) باید درس بگیرد؛ یعنی از دشمن نترسد، به خود متکی باشد، به خدای خود توکل کند. (۱۳۷۱/۰۴/۱۰)

نوحه‌خوانی و عزاداری بر پایهٔ معارف دینی

نوحهٔ سینه‌زنی خواندن هم شرایط دارد. باید آن کسانی که این‌را تهیه می‌کنند، می‌سرایند، می‌خوانند، مواظب باشند که درست برطبق معارف اسلامی حرف بزنند تا این سینه‌زنی، این روضه‌خوانی، این نوحه‌خوانی، قدمی باشد در راه عروج مردم به اوج قلهٔ افکار اسلامی. از همان روزی که موضوع ذکر مصیبت حسین بن علی (علیه السلام) مطرح شد، چشمهٔ جوشانی از فیض و معنویت، در اذهان معتقدین و محبین اهل بیت (علیهم السلام) جاری گشت. این چشمهٔ جوشان، تا امروز همچنان ادامه و جریان داشته است، بعد از این هم خواهد داشت و بهانهٔ آن هم، یادآوری خاطرهٔ عاشورااست.

(۱۳۷۳/۰۳/۱۷)

وصف وفای یاران امام

خیلی‌ها به امام حسین (علیه السلام) مراجعه و او را بر این ایستادگی ملامت می‌کردند. آن‌ها مردمان بد و یا

آن‌ها می‌رود؛ بعد هم در میانهٔ راه پشیمان نمی‌شود. (۱۳۹۰/۰۴/۱۳)

هرجا فسادی از آن قبیل (حکومت اموی) باشد، امام حسین (ع) در آن جا زنده است و با شیوه و عمل خود می‌گوید که شما باید چه کار کنید. تکلیف این است؛ لذا باید یاد امام حسین (ع) و یاد کربلا زنده باشد؛ چون یاد کربلا این درس عملی را جلو چشم می‌گذارد.

متأسفانه در کشورهای اسلامی دیگر، درس عاشورا آن چنان که باید شناخته شده باشد، شناخته شده نیست. باید بشود. در کشور ما شناخته شده بود. مردم در کشور ما امام حسین (ع) را می‌شناختند و قیام امام حسین (ع) را می‌دانستند. روح حسینی بود؛ لذا وقتی امام فرمود که محرم ماهی است که خون بر شمشیر پیروز می‌شود، مردم تعجب نکردند. حقیقت هم همین شد؛ خون بر شمشیر، پیروز گردید.

(۱۳۷۴/۰۳/۱۹)

اصول و آداب حاکم بر هیأت‌های عزاداری

هیأت‌ها نمی‌توانند سکولار باشند؛ هیأت امام حسین سکولار ما نداریم! هرکس علاقه‌مند به امام حسین (ع) است، یعنی علاقه‌مند به اسلام سیاسی است، اسلام مجاهد است، اسلام مقاتله است، اسلام خون دادن است، اسلام جان دادن است؛ معنای اعتقاد به امام حسین (ع) این است. اینکه آدم در یک مجلس روضه یا هیأت عزاداری مراقب باشد که مبادا وارد مباحث اسلام سیاسی بشود، این غلط است. البته معنای این حرف این نیست که هر حادثهٔ سیاسی در کشور اتفاق می‌افتد، ما باید حتماً در مجلس روضه آن را با یک گرایش خاصی -حالا یا این طرف، یا آن طرف- بیان کنیم و احیاناً با یک چیزهایی هم همراه باشد، نه؛ اما فکر انقلاب، فکر اسلام، خط مبارکی که امام (رضوان‌الله علیه) در این مملکت ترسیم کردند و باقی گذاشتند، این‌ها بایستی در مجموعه‌ها و مانند این‌ها حضور داشته باشد.

(۱۳۹۸/۰۶/۱۳)

نقش تاریخی زنان در حادثهٔ کربلا

کربلا نشان داد که زن در حاشیهٔ تاریخ نیست. زینب کبری (س) یک نمونهٔ بر جسته تاریخ است که عظمت حضور یک زن را در یکی از مهم‌ترین مسائل تاریخ نشان می‌دهد. اینکه گفته می‌شود در عاشورا، در حادثهٔ کربلا، خون بر شمشیر پیروز شد -که واقعاً پیروز شد- عامل این پیروزی، حضرت زینب (س) بود؛ والا خون در کربلا تمام شد.

حادثهٔ نظامی با شکست ظاهری نیروهای حق در عرصهٔ عاشورا به پایان رسید؛ اما آن چیزی که موجب شد این شکست نظامی ظاهری، تبدیل به یک پیروزی قطعی دائمی شود، عبارت بود از منش زینب کبری (س)؛ نقشی که حضرت زینب (س) بر عهده گرفت؛ این خیلی چیز مهمی است.

(۱۳۷۰/۰۷/۲۲)

به مناسب پذیرش قطعهنامه ۵۹۸؛

وقتی شعلهٔ جنگ فروکش کرد

در فاصلهٔ بین پذیرش قطعهنامهٔ ۵۹۸ تا اجرای آتش‌بس، یعنی از ۲۷ تیر تا ۲۹ مردادماه ۱۳۶۷ نشست‌هایی در نیویورک بین نمایندگان ایران و عراق از طریق سازمان ملل و به‌طور غیرمستقیم برگزار شد تا شعلهٔ جنگ

تحمیلی برای همیشه خاموش شود.

به گزارش هفته‌نامهٔ «حیات طلیه»، «قطعهنامهٔ ۵۹۸ شورای امنیت یکی از قطعهنامه‌های این شورا است که برای پایان‌دادن به جنگ ایران و عراق صادر شد. این قطعهنامه از نظر کمی و تعداد واژه‌های به کار گرفته شده مفصل‌ترین و از نظر محتوا اساسی‌ترین و از نظر ضمانت‌اجرا قوی‌ترین قطعهنامهٔ شورای امنیت در مورد این جنگ بوده است.

پذیرش قطعهنامه؛ تابعی از منطق پیروزی و شکست

این قطعهنامه بلافاصله از سوی عراق پذیرفته شد؛ ولی بعد از گذشت یک سال و هفت روز در ۲۷ تیر ۱۳۶۷ از سوی ایران مورد پذیرش قرار گرفت. از سوی امام خمینی (ره) در ۲۹ تیر ۱۳۶۷ پیامی دربارهٔ پذیرش قطعهنامه منتشر شد که به «نوشیدن جام زهر» معروف شد؛ در واقع پس از تغییر در شرایط نظامی و استناد امام (ره) به «گزارش نظامی-سیاسی» که تصریح می‌کنند: «بعد از شکست‌های اخیر به اینجانب رسیده» است، امام (ره) با پایان دادن به جنگ از طریق پذیرش قطعهنامهٔ ۵۹۸ اعلام موافقت کرد. مسأله اساسی در استدلال امام (ره) برای پایان‌دادن به جنگ، «پس از شکست‌های اخیر»، گزارش مسئولین سیاسی و نظامی است که ناظر بر «نا توانی در دستیابی به پیروزی» است. با این توضیح پایان دادن به جنگ تابع منطق «پیروزی و شکست» بوده است که از سوی امام (ره) با توجه به چشم‌انداز آیندهٔ جنگ و عدم دستیابی به پیروزی، مورد استناد قرار گرفته است. (محمد درودیان، پایان دادن به جنگ بر اساس کدام علت؟)

یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث پذیرفتن این قطعهنامه از سوی امام (ره) شد، نامهٔ محرمانهٔ محسن رضایی -فرماندهٔ وقت سپاه پاسداران- به امام خمینی (ره) در تاریخ ۲/ ۴/ ۶۷ بوده است. در بخشی از این نامه آمده است: «تا پنج سال دیگر ما هیچ پیروزی نداریم، ممکن است در صورت داشتن وسایلی که در طول پنج سال به دست می‌آوریم، قدرت عملیات انهدامی یا مقابله به مثل را داشته باشیم و بعد از پایان سال ۱۳۷۱ اگر ما دارای ۲۵۰۰ تپیل پیاده و ۲۵۰۰ تانک و ۳۰۰۰ قیضه توپ و ۳۰۰ هواپیمای جنگی و ۲۰۰ هلی کوپتر باشیم و قدرت ساخت مقدار قابل توجهی از سلاح‌های لیزری و اتمی که از ضرورت‌های جنگ در آن موقع است را داشته باشیم، می‌توان گفت به امید خدا بتوانیم عملیات آفندی انجام دهیم.» (گزارشی با عنوان قطعهنامهٔ ۵۹۸، منتشر شده در پایگاه اطلاع‌رسانی هیأت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی)

در فاصلهٔ ۳۳ روز؛ تجاوز مجدد عراق به خاک ایران

پذیرش این قطعهنامه هر چند به معنای پذیرش آتش‌بس از سوی ایران بود، ولی عراق به حملات خود ادامه داد و مجدد داخل خاک ایران شد تا نقاط مهمی از جمله خرمشهر را به دست بیاورد تا با وضع بهتری در مذاکرات حضور داشته باشد؛ اما موفقیتی بدست نیاورد و نهایتاً جنگ در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ پایان یافت.

در فاصلهٔ بین پذیرش قطعهنامهٔ ۵۹۸ تا اجرای آتش‌بس، یعنی از ۲۷ تیر تا ۲۹ مردادماه ۱۳۶۷ نشست‌هایی در نیویورک بین نمایندگان ایران و عراق از طریق سازمان ملل و به‌طور غیرمستقیم برگزار شد. فرماندهٔ وقت سپاه دراین باره می‌گوید: «دوباره در مردادماه که ما صدام را به عقب زدیم، زیر بار پذیرش قطعهنامهٔ ۵۹۸ نمی‌رفت؛ اما آلمانی‌ها، شوروی و آمریکایی‌ها و همه فشار آوردند به صدام که قطعهنامه را بپذیرد؛ یعنی آن هفته‌های آخر جنگ، فشارهای بین المللی به صدام زیاد شده بود که سریعاً قطعهنامه را بپذیرد.» (ساعت اتش‌بس ایران و عراق چند بود؟، منتشر شده در سایت خبری مشرق)

کارشکنی عراق؛ اسارت در زمان آتش‌بس

در این شرایط شورای امنیت سازمان ملل روز ۱۸ مرداد ۱۳۶۷ قطعهنامهٔ دیگری به شماره ۶۱۹ تصویب کرد. به‌موجب این قطعهنامه ناظران نظامی سازمان ملل با عنوان «نیروهای یونیماک» متشکل از حدود ۳۵۰ نفر نیروی کلاه آبی از ۲۴ کشور و ملیت مختلف به فرماندهی «ژنرال الوکوبویچ» -اهل یوگسلاوی- در اطراف مرزهای کشورهای ایران و عراق مستقر شدند. با اجرای مذاکرات سه‌جانبهٔ ایران و عراق و سازمان ملل، نیروهای دو طرف به مرزهای دو کشور بازگشتند و تحت نظارت ناظران سازمان ملل، آتش‌بس بین دو کشور از ساعت ۶:۳۰ صبح روز شنبه ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ برابر با هفتم محرم ۱۴۰۹ در جبهه‌ها برقرار شد؛ به‌این ترتیب جنگ بین دو کشور عملاً در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ پایان یافت. پس از برقراری آتش‌بس، نیروهای نظامی هر دو کشور همچنان در مرزها مستقر بودند؛ همچنین پس از برقراری آتش‌بس، ارتش عراق ۷۰۲ نفر از نظامیان ایرانی را اسیر کرد؛ البته بعد از گذشت دو سال از ترک محاصره، اسرای طرفین از مرداد سال ۱۳۶۹ به‌تدریج آزاد شدند.

حضرت سیدالشهدا(ع)

و یاران بزرگوار ایشان در تاریخ ماندگار شدند

ادامه از صفحه اول

وی افزود: جنگ نرم برخلاف جنگ سخت یک حرکت بسیار پیچیده است که مرز مشخصی ندارد و در این حرکت رسانه در صف اول خط مقدم است؛ لذا رسانی که شما خبرنگاران عزیز و اهالی رسانه دارید، بسیار سخت و سنگین است و به‌ویژه در شرایط بسیار حساس و خطر امروز، نقش خبرنگار زمان‌شناسی، هوشیار و هوشمند بودن، شناخت شرایط و صدق در کلام است. «غلامعلی افشار» پدر شهید خبرنگار «علیرضا افشار»، «محمدرضا نوروزپور»، مدیرعامل سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، «علی متقیان» مدیرعامل ایسنا، «مهدی شفیعی» مدیرمسئول روزنامه ایران، «جعفر عزیزی» سردبیر سرویس اجتماعی سازمان صدا و سیما، «علیرضا شیروی» مدیرکل مطبوعات خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از مهمانان این نشست هم ضمن تبریک روز خبرنگار، انتشار اخبار حوزهٔ ایثار و شهادت و کمک به ترویج فرهنگ ایثار و شهادت را افتخار خواندند و در پایان تجلیل شدند. در این مراسم همچنین به نمایندگی از کلیهٔ خبرنگاران حوزهٔ ایثار و شهادت تعدادی از خبرنگاران رسانه‌های مختلف که در تهیه و انتشار اخبار بنیاد شهید و امور ایثارگران همکاری داشتند، تقدیر شدند. تقدیر از سایر خبرنگاران فعال نیز در دفتر خبرگزاری‌ها و رسانه‌ها و نیز اداره کل روابط عمومی بنیاد شهید و امور ایثارگران و با رعایت پروتکل‌های بهداشتی انجام خواهد شد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم):

برای شهادت حسین (علیه السلام) حرارت و گرمایی در دل‌های مؤمنان است که هرگز سرد و خاموش نمی‌شود .

(جامع احادیث الشیعه ، ج ۰ ، ۱۲، ص ۵۵۶)

یک آزادهٔ تخریب‌چی در گفت‌وگو با حیات طیه:

عشق به امام خمینی (ره) یک افسر عراقی من را زنده گذاشت



و چشمانم را آهسته باز کردم و در اینجا بود که صحنهٔ سبز و یکی دیگرشان که معلوم بود یعنی و ارشدشان افسر دیگری که ظاهراً هم‌درجهٔ او بود، سر رسیده و آن‌ها با هم بر سر کشتن یا نگشتن من مشغول جز و بحث هستند. آن عراقی یعنی با خشم و عصبانیت شدید، دائم لولهٔ اسلحه‌اش را به سمت من می‌گرفت و می‌گفت: «این پاسداره و من باید اونو بکشم.» افسر دومی در حالی که لولهٔ اسلحه او را به سمت دیگر می‌داد، می‌گفت: «تو حق نداری اینو بکشی! الان روز شده و ما دستور داریم اسیر بگیریم. اگر تو این اسیر رو بکشی، من گزارش می‌کنم.» این قضیهٔ بالاکلیفی را جلوی چشمانم گرفته بود، با لگد توی شکم و پهلویم وسط این دو نفر بر روی زمین افتاده بودم، برای یکی دو دقیقه ادامه داشت. واقعاً آن دقایق برای من یکی از سخت‌ترین لحظات عمرم بود و من هیچگاه آن حس عجیب بالاکلیفی را فراموش نمی‌کنم. در نهایت بعد از کشمکش فراوان بین آن دو سرانجام درجه‌دار دومی حرفش به کرسی نشست و افسر یعنی را از کشتن من منصرف کرد.

عشق به امام خمینی (ره) در قلب افسر عراقی

درجه‌دار دومی که مانع کشته شدن من شده بود، بالای سرم نشست و به زبان عربی گفت: «نترس! تو از امان هستی. تو اسیر هستی. من مسلمانم و تو هم مسلمان.» بعد در حالی که اطرافش را نگاه می‌کرد، سرش را نزدیک آورد و گفت: «من شیعه هستم و سپس با اشاره به سمت قلبش، آرام گفت: خمینی، خمینی.» آری افسری که مانع از کشته شدن من شده بود، یک عراقی شیعه بود که در قلبش عشق امام (ره) را داشت و چون عمر من به دنیا باقی بود، خداوند او را وسیلهٔ زنده ماندن من و نجات از دست آن افسر خبیث کرده بود؛ چرا که اگر لحظاتی دیرتر رسیده بود، چه بسا که آن جانی ملعون مرا کشته بود؛ البته بعضی اوقات که با خود فکر می‌کنم، می‌گویم ای کاش آن شخص سر نرسیده بود و من کشته می‌شدم و به آرزوی دیرینهٔ خود یعنی شهادت می‌رسیدم.

در آستانهٔ آزادی

سال دوم اسارت بود که گروهی از پزشکان صلیب سرخ به همراه تعدادی از پزشکان عراقی به اردوگاه آمدند. اعلام کردند که بنا بر توافقی، قصد دارند تا تعدادی از اسرای مجروح هر دو کشور را با هم مبادله کنند. آن‌ها از اسرای مجروح می‌خواستند تا در جلوی چشم آن‌ها

نزدیک شوند. از این پنج سرباز، چهار نفر آن‌ها کلاه سبز و یکی دیگرشان که معلوم بود یعنی و ارشدشان است، کلاه قرمز بر سر داشتند. یکی از سربازها جلو آمد و شروع به تفتیش بدنی من کرد که متأسفانه در این هنگام یک کولهٔ کوچک کمری که حاوی مقداری مواد منفجره و فتیله و چاشنی انفجاری بود، از پشت کمر من پیدا کرد و تحویل آن درجه‌دار داد. آن افسر بعضی به محض دیدن آن کولهٔ انفجاری جلو آمد و با خشم و عصبانیت از من پرسید: «تو پاسدار هستی؟» و من در جوابش گفتم: «نه، من داوطلب هستم.» او که از جواب من قانع نشده بود، در حالی که آن کولهٔ انفجاری را جلوی چشمانم گرفته بود، با لگد توی شکم و پهلویم کوبید و به من گفت: «تو دروغ می‌گی، تو پاسداری و من تو رو می‌کشم.» من هم که در اثر خونریزی زیاد خیلی به حال خود نبودم، شانه‌هایم را بالا انداخته و با بی اعتنایی گفتم: «می‌خوای بکشی بکش، بهتر! راحت می‌شم.» افسر خبیث که انتظار چنین جواب و عکس‌العملی را از من نداشت، بیشتر شاکی شد. به سربازان دیگر که همراهش بودند اشاره کرد که از آنجا بروند و مرا با او تنها بگذارند.

لولهٔ تفنگ روی پیشانی

بعد از رفتن سربازان، آن درجه‌دار ملعون یعنی، گلگندن اسلحهٔ کلاشینکفی را که در دست داشت کشید و لولهٔ اسلحه‌اش را روی پیشانی من گذاشت. ظاهراً آخر ماجرا بود و من داشتم به آرزوی دیرینهٔ خود یعنی شهادت می‌رسیدم. من که کار را تمام شده می‌دیدم، آرام چشمانم را بسته و زیر لب شهادتین را خواندم. شاید باورتان نشود ولی در آن لحظه من واقعاً از دنیا بریدم و دل کشدم. در همان زمان کوتاه که چشمانم را بسته بودم و در انتظار مرگ بودم، تمام صحنه‌های زندگی‌ام از کودکی تا به آن زمان به مانند کسی که در قطاری نشسته باشد و از پنجره، بیرون را نگاه کند، از جلوی چشمانم گذشت. همانطور که منظر شیدین صدای شلیک گلوله و احساس داغی سرب روی پیشانی‌ام بودم، در دل داشتم با خدا راز و نیاز می‌کردم و از درگاهش بخشش و آموزش طلب می‌کردم. چند ثانیه به همین منوال گذشت ولی خبری از شلیک گلوله نبود.

جز و بحث بر سر یک زندگی

خیلی کنجکاو بودم دلایل این تأخیر و عدم شلیک را بدانم! با خودم فکر می‌کردم که شاید می‌خواهد مرا قبل از کشتن به اصطلاح زجرکش کند. طاقات بیاوردم

داستان یک مدافع حرم از سفر برای زیارت:

خانواده‌ام خبر نداشتند

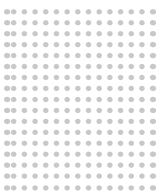
امروز از مدافعان حرم است و دیروز پدرش مدافع حریم بوده. ایثارگری در خون اوست و با جمعیت هلال احمر هم همکاری دارد و سه سال در عراق و چهار سال در سوریه به عنوان کاردان فوریت‌های پزشکی و مدیریت خدمات اجتماعی رشتهٔ مددکاری و مربی امداد و نجات و بهداشتی رزمی حضور داشته است. متن گفت‌وگو با او را در دربارهٔ بیم و امیدهایش در جبهه‌های مقاومت در سمت امدادگر هلال احمر در ادامه می‌خوانید.

به قصد زیارت

با توجه به اینکه در خانواده‌ای مذهبی و مؤمن به دنیا آمده‌ام و با هیأت امام حسین (ع) بزرگ شده‌ام و پدرم نیز برای دفاع از خاک و ناموس کشورش وارد جنگ تحمیلی شده بود، روحیهٔ جهاد و شهادت‌طلبی در من هم بود. در سال‌های ۹۲ تا ۹۴ در سپاه بدر عراق، برای دفاع از حریم اهل بیت (ع) حضور داشتم. با توجه به تثبیت نسبی عراق به دنبال راه‌های برای حضور در جبههٔ مقاومت سوریه و دفاع از حرم خانم حضرت زینب (س) و -خانم سه ساله- رقیه (س) گشتم تا اینکه به دفتر اعزام نیروهای امدادی در بیمارستان بقیه‌الله مراجعه و فرمی پر کردم و برای اعزام به خاک سوریه اعلام آمادگی کردم. خیلی خوشحال بودم. خانواده‌ام به هیچ عنوان خبر نداشتند. با من تماس گرفتند و گفتند فلان روز برای اعزام فرودگاه امام خمینی (ره) باشید. وقتی خواستم از خانه خارج بشوم و سمت فرودگاه بروم، به مادرم گفتم: «فراره برم زیارت.» مادرم خوشحال شد و قرآن آورد تا از زیرش در بشوم. اصلاً هم نرسید زیارت کجا و کی برمی‌گردم چون می‌دانست جواب نمی‌دهم.

پرواز پر ماجرا به سوی دمشق

در روز اعزام وارد فرودگاه امام خمینی (ره) شدم، رابط پرواز را پیدا کردم و بلیت را گرفتم. چهار نفر بودیم. گفتند که این پرواز جا ندارد و فقط دو نفر می‌توانید بروید. بلیت را به شهید دکتر حمید قناد دادم، برای رفتن خیلی عجله داشت.



امام باقر (علیه السلام):

اگر مردم می‌دانستند که چه فضیلتی در زیارت مرقد امام حسین (علیه السلام) است از شوق زیارت می‌مردند .

(ثواب الاعمال ، ص ۳۱۹)

روایت یک بازگشت با لباس بسیجی:

آن شب خواب به چشم‌مان نیامد

ولی از شانس خوبم ما آخرین آسایشگاهی بودیم که جمع هزار نفرهٔ اولیه را تکمیل می کرد.

گفتند که فردا آزاد خواهیم شد

شب آخر از طریق نگهبان ها اطلاع‌رسانی شد که فردا آزاد خواهیم شد. آن شب خواب به چشم‌مان نیامد. صبح روز پنجم شهریور با طلوع آفتاب سه آسایشگاه جمع آن‌ها ملحق شوند. نگهبان‌ها به بچه‌های بند بند سه آماده می‌شوند تا به بند یک و دو منتقل و به جمع آن‌ها ملحق شوند. نگهبان‌ها به بچه‌های بند چهار که شامل آسایشگاه ۱۱ تا ۱۴ می‌شدند، اجازهٔ بیرون آمدن ندادند. آن‌ها پشت پنجره‌ها تجمع کرده و دوستان و همشهری‌هایشان را فرامی‌خواندند؛ اما نگهبان‌ها مانع می‌شدند و اجازهٔ ورود به محوطهٔ آن‌ها را نیز نمی‌دادند و توصیه می‌کردند، هر چه زودتر باید به بند یک و دو منتقل شویم.

البته فردا یا دو روز بعد نوبت به آن‌ها می‌رسید. تحمل یک روزی که به یک روز شباهتی نداشت، همچنان که برای آن‌ها سخت بود، انصافاً بر ما هم این جدایی سخت بود. با ورود به بند یک دیدار با دوستان قدیمی تازه شد، یکدیگر را در آغوش کشیدیم.

بر خاک وطن بوسه می‌زدیم

بالاخره نوبت اتوبوس ما شد. محل تبادل با پروژکتور روشن شده بود. تعدادی از اسرای عراقی که زودتر به مرز رسیده بودند، در چادرها اسکان داده شدند. ما همین‌طور که پیاده می‌شدیم، هم نیروهای صلیب سرخ و هم مسئولان دو کشور ما را شعارش می‌کردند. سوار اتوبوس‌های خودمان می‌شدیم و به موازات آن هم اسرای عراقی سوار اتوبوس‌هایی که ما را به مرز منتقل کرده بودند، می‌شدند.

اتوبوس‌های عراقی فاقد هرگونه امکاناتی نظیر آب و غذا بود و اسرای عراقی قطعاً آخرین شامشان را در

۲۶ مرداد ماه که بیاید، ۳۱ سال از بازگشت پرستوها به میهن می‌گذرد؛ همان‌هایی که از شهر و دیار خود کوچ کردند تا از میهن دفاع کنند اما اسارت از آن آن‌ها شد و در اردوگاه‌های عراق بخشی از جوانی و عمر خود را سپری کردند. «اصغر حکیمی مزرعه‌نو» یکی از همین پرستوها است. این قهرمان آزاده در گفت‌وگو با «حیات‌طیبه» با اشاره به روز اسارتش می‌گوید: در حالی که مجروح بودم روز ۳۰ دی ماه ۱۳۶۵ اسیر شدم و روز ششم شهریورماه ۱۳۶۹ با حضور در یادگان الله‌اکبر کرمانشاه به طور رسمی از قفس اسارت رها شدم. یادم می‌آید که در شب آزادی به همهٔ ما یک دست لباس نظامی فصل تابستان عراق که آستین کوتاه بود، به همراه یک جفت کفش تحویل دادند. لباس‌ها اکثراً گشاد بود و می‌دیدم که بچه‌ها به جاچه ذوق و شوقی مشغول خیاطی و تنگ کردن و به اصطلاح «ساسون» گرفتن آن بودند. این امر باعث شده بود شکل عادی و نظم لباس‌ها بهم خورده و حالت مسخره‌ای به خود بگیرد.

لباس‌ها بوی آزادی می‌دادند

ناگفته نماند شکل و شمایل نحیف و آفتاب‌سوختهٔ ما هم به این ناهمگونی افزوده بود. با تحویل لباس بوی آزادی به مشام می‌رسید. دیگر باورمان شده بود که باید با اردوگاه خداحافظی کنیم. این قدر غیرمنتظره بود که فکرش را نمی‌کردیم روزی دلمان برای آن محیط تنگ شود. چه راحت با آن وداع کردیم؛ شاید جا داشت با دقت به در و دیوار نگاه کنیم؛ دانه‌دانه آجرهایش را بشماریم، در و دیوارهایی که شاهد شکنجه‌ها و آه و ناله‌های اسرای مظلوم مفقودالاثربود.

مدتی بود با انتقام به بند سه، از دوستانم در بند یک و دو جدا افتاده بودم و طبق قرار آزادی روزانه هزار نفر، نگران بود که مبادا روز آزادی از آن‌ها جدا شوم؛

«فریده میرزایی» همسر شهید مدافع سلامت «دکتر موسی فتح‌آبادی» است. او اولین شهید مدافع سلامت استان تهران لقب گرفته است. همسرش می‌گوید: او برای شهادت خیلی عجله داشت و در ۱۸ اسفند ماه پس از اولین روزهای شیعوع کرونا به شهادت رسید. در ادامه متن گفت‌وگوی حیات‌طیبه با فریده میرزایی را می‌خوانید:

از دکتر فتح‌آبادی بگویید، متولد چه سالی بود و دوران تحصیل خود را در کدام دانشگاه‌ها گذرانده بود؟

همسرم موسی فتح‌آبادی متولد سال ۱۳۴۴ است. او سه خواهر و برادر دارد و اولین فرزند خانواده بود. پدر و مادرش نیز اهل فتح‌آباد استان مرکزی هستند. دوران مدرسهٔ خودش را در مدرسه هدف می‌گذراند و دوران دانشگاه را در رشتهٔ پرستاری در دانشگاه تهران پذیرفته می‌شود؛ بعد از اتمام دورهٔ پرستاری به سربرازی می‌رود. چند مدتی هم در جبهه حضور داشت که بعد از سربرازی دوباره برای دانشگاه می‌خواند و تخصص دکتر هم طب اورژانس از دانشگاه تهران بود.

شما هم همکار ایشان بودید؟

من هم رشته‌ام پرستاری بود و ما سال دوم ازدواج کردیم و زندگیمان را طی این ۲۸ سال با زحمت فراوان پیش بردیم.

فرزند هم دارید؟

حاصل ازدواج ما یک دختر و یک پسر است که دخترم ۲۰ ساله و پسرم ۲۶ ساله است. برای فرزندانم خیلی دوری از پدرشان سخت است. این مدت او اصلاً نبود و جای خالی اش قابل باور نیست و اصلاً نبود دکتر برای ما عادی نشده است.

اگر بخواهید آقای دکتر را توصیف کنید با چه ویژگی‌هایی توصیف می‌کنید؟

آدم خاصی بود. از همان مردان بی‌دعا؛ بسیار مرم‌دار و با اخلاص بود. برای خانواده هم بسیار زحمت می‌کشید تا جایی که می‌توانست کار مردم را راه می‌انداخت. برای او تفاوتی نداشت که مشکلات مردم و آشنایان مربوط به پزشکی باشد یا هر موضوع دیگری، تمام سعی خودش را به کار می‌گرفت تا مسائل مردم را حل کند. هیچ انتظاری هم از کسی نداشت، سعی می‌کرد به خانوادهٔ من و خانوادهٔ خودش هم کمک کند؛ بدون اینکه چشم‌داشتی برای دریافت کمک یا جبران داشته باشد. با تمام اقوام در ارتباط بود تا بتواند برای کسی کاری کند. یک انسان بزرگ و مخلص بود. سفر حج را خیلی دوست داشت. ۸ بار به عنوان پزشک به حج رفته بود، وقتی می‌رفت عشق می‌کرد

امام باقر (علیه السلام):

اگر مردم می‌دانستند که چه فضیلتی در زیارت مرقد امام حسین (علیه السلام) است از شوق زیارت می‌مردند .

(ثواب الاعمال ، ص ۳۱۹)



اتوبوس‌های ایرانی صرف کرده بودند. باید جایشان را با ما عوض می‌کردند و چند سالی منتظر می‌ماندند تا با سقوط صدام نوبت آزادی واقعی آن‌ها فرا رسد؛ البته علی‌رغم اینکه این نقطه صفر مرزی بود و مشخص نبود که دقیقاً داخل خاک ایران هستیم یا عراق ولی بچه‌ها قبل از سوار شدن به مثابهٔ شکرگزاری بر خاک وطن سجده کرده و بر آن بوسه می‌زدند.

روزنامه‌های تاریخ گذشته را مرور کردیم

بعد از گذر مسافتی حدود نیم ساعت برای اقامهٔ نماز مغرب و عشاء در محلی پیاده شدیم. چون زمان گذشته بود با استفاده از تانکرهای آب موجود در منطقه تجدید وضو کردیم. با اینکه شب بود و هوا تاریک، ولی وضعیت منطقه و آثار موجود یاد و خاطرهٔ روزهای دفاع را تداعی می‌کرد. بعد از اقامهٔ نماز به صورت فرادا مجدد سوار اتوبوس شده به سوی کرمانشاه حرکت کردیم. داخل اتوبوس روزنامه‌های چند روز قبل را که در قفسه و اطراف صندلی‌ها رها شده بود، با شوق و ذوق می‌خواندیم؛ حتی آگهی‌های آن را هم مرور می‌کردیم. همچنان که گفتیم همه چیز برای ما تازگی داشت و بوی وطن می‌داد. حدود ساعت‌های سه نصفه شب، بچه‌ها دیگر خسته شده بودند، خواب به چشم کسی نمی‌آمد ولی سکوت حکم‌فرما بود.

گفت‌وگو با همسر نخستین شهید مدافع سلامت استان تهران:

دکتر فتح‌آبادی عاشق شهادت بود

بله، اولین شهید مدافع سلامت در تهران بود و در وصیت‌نامهٔ خودش نوشته

بود که من عاشق شهادت هستم. زمانی که همسر فوت شد، هنوز اعلام نکرده بودند که کادر درمان و پزشکان جزو شهدا هستند. طی ۱۰ روزی که در بیمارستان بستری بود، اصلاً او را ندیدم و در غربت کامل بود؛ چون هر چه برای ملاقات می‌رفتم، اصلاً اجازه نمی‌دادند تا او را ببینیم؛ اما یکی از دوستان، دکتر را در بیمارستان دیده بود و گفته بود که می‌خواهم چیزی بنویسم تا برای همسرم ببری، اگر فوت شدم این را به او برسان. دو روز بعد ما متوجه این موضوع شدیم. وصیت‌نامهٔ خودش را می‌نویسد و شهادتین را می‌گوید و نوشته بود به امام زمان (عج) و نایب او آقای خامنه‌ای اعتقاد دارم و عاشق شهادت هستم و شب هم زیر دستگاه می‌رود.

وقتی هم از حج برگشته بود چون حادثهٔ من را دیده بود، اصلاً حال خوبی نداشت و تا چند ماه افسرده بود و درست صحنه را دیده بود، خیلی وقت‌ها برای حجاج گریه می‌کرد، وقتی اسم شهدای من را می‌شنید یک افسوس می‌خورد. چندبار هم من دیدم بعد از نماز برای شهادت دعا می‌کرد؛ با خودم می‌گفتم مگر الان وضعیت جنگی است چه آرزویی دارا! بعدها که توجه کردم، دیدم بعد از نماز ذکرهایی می‌گفت و این دعا را می‌کرد.

این جور افراد خیلی خاص هستند. من که همسر او بودم و نزدیک به ۳۰ سال با او زندگی کردم، بسیاری از خلقیات و ویژگی‌هایش را بعد از شهادتش فهمیدم. الان که نیست، تازه دلیل برخی از کارهای او را متوجه می‌شوم. برای مثال اوایل زندگی دانشجویی ما بود، می‌دیدم به خانوادهٔ شهدا احترام زیادی می‌گذاشت و به یتیمان توجه می‌کرد؛ اگر هرکدام بیمار می‌شدند، سعی می‌کرد تا بهبودی حالشان کارهای درمانی آن‌ها را پیگیری کند؛ حتی در این زمان، خودم هم دو شبیت، گاهی سه شبیت کار می‌کردم تا زندگیمان بگذرد. خودمان هم اوضاع مالی خوبی نداشتیم، با این حال همسرم سعی می‌کرد به یتیمان توجه کند و اگر مشکلی دارند، به آن‌ها کمک کند.

در زمان شهادت دکتر و در همان ابتدا، کادر درمان، شهید محسوب نمی‌شدند در کجا مراسم تدفین انجام شد؟

اوایل برای مراسم تدفین بسیار سخت می‌گرفتند و حتی اجازه نمی‌دادند ما برای خاکسپاری برویم و همان روزی که مراسم انجام شد با ما تماس گرفتند و گفتند آقا اعلام کرده جزو شهدا هستند و می‌توانید ایشان را در قطعهٔ شهدا دفن کنید که در قطعهٔ شهدای مسجد ارگ دفن شدند.

فرزند شهید خسروی پور:

فرزندان شهدا، این کشور را ثمرهٔ ایثارگری‌های پدران خود می‌دانند

محمدجواد خسروی پور گفت: من متولد سال ۱۳۶۵ در شهرستان کنگاور، استان کرمانشاه هستم و هم اکنون ساکن تهرانم و کارمند شهرداری و معاون مدیر کل هماهنگی سازمان‌ها و مناطق هستم و در مقطع دکتری عمران، گرایش مدیریت ساخت مشغول به تحصیل هستم.

در تدوین ده‌ها دستورالعمل و آیین‌نامه همکاری داشته‌ام

معاون مدیر کل هماهنگی سازمان‌ها و مناطق در ادامه افزود: با توجه به رشته و سابقهٔ کاری و تحصیلی‌ام در زمینهٔ فهرست بهاء و تدوین دستورالعمل‌های فنی در شورای فنی شهرداری تهران، قریب به ۵ سال با

اشک امانان نمی‌داد

رادیو در حال پخش دعا و اشعاری دلنواز بود. بچه‌ها را می‌دیدم که سرشان را به دیوارهٔ صندلی جلویی گذاشته و آرام‌آرام گریه می‌کنند. اشک امانان نمی‌داد. به هیچ وجه امکان جلوگیری از جاری شدن آن نبود. دست خودمان نبود. صبح روز سه‌شنبه ششم شهریورماه ۱۳۶۹ به یادگان الله‌اکبر کرمانشاه رسیدیم. بعد از اقامهٔ نماز روی تخت‌های سربازی خوابگاه یادگان دراز کشیدیم و چند ساعتی استراحت کردیم. برای اولین بار خواب راحتی رفتم، بدون ترس و استرس. چون برنامه‌های قرنطینه فشرده بود از خواب بیدار شدیم و بعد از صبحانه به نوبت به چادرهایی متعددی که در محوطه برپا شده بود، هدایت شدیم. توسط پزشکان متخصصی که در چادرها مستقر بودند، معاینات کامل پزشکی و آزمایشات صورت می‌گرفت و در پایان کارت سلامت همراه با توصیه‌های لازم پزشکی ارائه شد.

با لباس بسیجی به آغوش خانواده بازگشتیم

فکر کنم در روز دوم در سالن تجمعات پادگان بچه‌ها با تکمیل فرم‌هایی تمام اطلاعاتی که پیرامون همکاری افراد معلوم‌الحال با عراقی‌ها داشتند، ارائه دادند تا بر اساس آن ضمن شناسایی وضعیت افراد، برنامهٔ استقبال از آزادگان و انتظارات خانواده‌ها تسهیل شود. روز اول یک دست لباس نظامی از همان نمونه که به هنگام اعزام به جبهه بر تن داشتیم، تحویل شد و همه لباس‌های نظامی عراقی را از تن در آورديم و قرار بر این بود که همه به صورت هماهنگ با لباس بسیجی به آغوش خانواده‌ها بازگردیم. در ادامه یک دست لباس زیر، به اضافه یک دست کت و شلوار شیک سورمه‌ای به همراه یک جفت کفش هم تحویل شد. بعضی از دوستان با پوشیدن کفش‌های ایرانی کفش‌های عراقی را علی‌رغم اینکه از کیفیت خوبی هم‌برخوردار بود، داخل خودشان رها کرده و به کناری انداختند.



بله، اولین شهید مدافع سلامت در تهران بود و در وصیت‌نامهٔ خودش نوشته بود که من عاشق شهادت هستم. زمانی که همسر فوت شد، هنوز اعلام نکرده بودند که کادر درمان و پزشکان جزو شهدا هستند. طی ۱۰ روزی که در بیمارستان بستری بود، اصلاً او را ندیدم و در غربت کامل بود؛ چون هر چه برای ملاقات می‌رفتم، اصلاً اجازه نمی‌دادند تا او را ببینیم؛ اما یکی از دوستان، دکتر را در بیمارستان دیده بود و گفته بود که می‌خواهم چیزی بنویسم تا برای همسرم ببری، اگر فوت شدم این را به او برسان. دو روز بعد ما متوجه این موضوع شدیم. وصیت‌نامهٔ خودش را می‌نویسد و شهادتین را می‌گوید و نوشته بود به امام زمان (عج) و نایب او آقای خامنه‌ای اعتقاد دارم و عاشق شهادت هستم و شب هم زیر دستگاه می‌رود. وقتی هم از حج برگشته بود چون حادثهٔ من را دیده بود، اصلاً حال خوبی نداشت و تا چند ماه افسرده بود و درست صحنه را دیده بود، خیلی وقت‌ها برای حجاج گریه می‌کرد، وقتی اسم شهدای من را می‌شنید یک افسوس می‌خورد. چندبار هم من دیدم بعد از نماز برای شهادت دعا می‌کرد؛ با خودم می‌گفتم مگر الان وضعیت جنگی است چه آرزویی دارا! بعدها که توجه کردم، دیدم بعد از نماز ذکرهایی می‌گفت و این دعا را می‌کرد.

این جور افراد خیلی خاص هستند. من که همسر او بودم و نزدیک به ۳۰ سال با او زندگی کردم، بسیاری از خلقیات و ویژگی‌هایش را بعد از شهادتش فهمیدم. الان که نیست، تازه دلیل برخی از کارهای او را متوجه می‌شوم. برای مثال اوایل زندگی دانشجویی ما بود، می‌دیدم به خانوادهٔ شهدا احترام زیادی می‌گذاشت و به یتیمان توجه می‌کرد؛ اگر هرکدام بیمار می‌شدند، سعی می‌کرد تا بهبودی حالشان کارهای درمانی آن‌ها را پیگیری کند؛ حتی در این زمان، خودم هم دو شبیت، گاهی سه شبیت کار می‌کردم تا زندگیمان بگذرد. خودمان هم اوضاع مالی خوبی نداشتیم، با این حال همسرم سعی می‌کرد به یتیمان توجه کند و اگر مشکلی دارند، به آن‌ها کمک کند.

در زمان شهادت دکتر و در همان ابتدا، کادر درمان، شهید محسوب نمی‌شدند در کجا مراسم تدفین انجام شد؟

اوایل برای مراسم تدفین بسیار سخت می‌گرفتند و حتی اجازه نمی‌دادند ما برای خاکسپاری برویم و همان روزی که مراسم انجام شد با ما تماس گرفتند و گفتند آقا اعلام کرده جزو شهدا هستند و می‌توانید ایشان را در قطعهٔ شهدا دفن کنید که در قطعهٔ شهدای مسجد ارگ دفن شدند.

فرزند شهید خسروی پور:

محمدجواد خسروی پور گفت: من متولد سال ۱۳۶۵ در شهرستان کنگاور، استان کرمانشاه هستم و هم اکنون ساکن تهرانم و کارمند شهرداری و معاون مدیر کل هماهنگی سازمان‌ها و مناطق هستم و در مقطع دکتری عمران، گرایش مدیریت ساخت مشغول به تحصیل هستم.

در تدوین ده‌ها دستورالعمل و آیین‌نامه همکاری داشته‌ام

معاون مدیر کل هماهنگی سازمان‌ها و مناطق در ادامه افزود: با توجه به رشته و سابقهٔ کاری و تحصیلی‌ام در زمینهٔ فهرست بهاء و تدوین دستورالعمل‌های فنی در شورای فنی شهرداری تهران، قریب به ۵ سال با

حیات‌طیبه

جمعه / ۲۲ مرداد ۱۴۰۰ / شماره ۴۸۱

مدیر کل بنیاد شهید و امور ایثارگران استان کرمان:

بیش از ۵۰ درصد تفاهم‌نامهٔ مسکن محقق شده است

«مهندس اوحدی» از ابتدای آغاز کار در بنیاد شهید و امور ایثارگران در اقدامی هماهنگ و سراسری برای رسیدگی به مهم‌ترین دغدغهٔ جامعهٔ ایثارگری، یعنی «مسکن» و «اشتغال» هر هفته به یک استان سفر کرد و تفاهم‌نامهٔ همکاری مشترکی را بین بنیاد شهید و امورایثارگران و استانداران به امضا رساند. بررسی دستاوردهای این سفر به استان کرمان موضوع گفت‌وگو با «احمد گروئی ساردو» -مدیر کل بنیاد شهید و امور ایثارگران استان کرمان- است که در ادامه می‌خوانید:



جناب آقا گروئی ساردو ابتدا بفرمایید استان کرمان چندمین سفر مهندس سعید اوحدی بوده و نیز در ارتباط با مفاذ تفاهم‌نامه توضیح بفرمایید؟

جناب آقای سعید اوحدی در سیزدهمین سفر استانی خود به کرمان سفر کردند. در ابتدای ورود خود با حضور در گلزار مطهر شهدای استان کرمان به مقام شامخ این شهدا ادای احترام کردند و پس از آن با حضور در دفتر استانداری تفاهم‌نامهٔ تأمین زمین برای ساخت ۲۰۰۰ مسکن و تأمین اشتغال برای ۱۲۰۰ نفر از ایثارگران این استان را به امضا رساندند.

استان کرمان در حوزهٔ مسکن برای تحقق اهداف تفاهم‌نامه تانکنون چه اقداماتی انجام داده است؟

تفاهم نامهٔ استان کرمان بین جناب آقای اوحدی -معاون رییس جمهور و رییس بنیاد شهید و امور ایثارگران- و استاندار کرمان دکتر فدایی در مهرماه ۱۳۹۹ امضا شد. در این تفاهم‌نامه مقرر گردید به ۲۰۰۰ هزار نفر از ایثارگران معزز به تفکیک ۱۰۰۰ نفر در شمال استان و ۱۰۰۰ نفر در جنوب استان زمین واگذار گردد. استان کرمان دارای ۲۳ شهرستان و ۱۷ ادارهٔ بنیاد شهید است. از شمالی‌ترین نقطهٔ استان تا جنوبی‌ترین نقطهٔ استان بیش از هزار کیلومتر فاصله است و فاصلهٔ مرکز استان با سایر شهرستان‌ها بیشتر از ۴۰۰ کیلومتر است. تعداد ۳۴ جلسه با حضور ادارات راه و شهرسازی و بنیاد شهید شهرستان برگزار شد؛ به اضافه این جلسات تعداد ۱۶ جلسه با حضور مدیران کل بنیاد شهید و امور ایثارگران استان کرمان و مدیران کل اداره راه و شهرسازی شمال و جنوب استان برگزار شده است. لازم به ذکر است در راستای تحقق این مهم، سه جلسه با حضور استاندار برگزار گردید؛ البته در همین راستا ۴ جلسهٔ مجزای دیگر با حضور معاونت عمرانی استانداری استان کرمان برگزار گردید.

با توجه به تفاهم‌نامهٔ بسیار خوبی که توسط معاونت محترم رییس جمهور و ریاست عالی بنیاد با وزیر محترم راه و شهرسازی منعقد گردیده بود، برای تحقق یکی از وظایف اصلی و ذاتی بنیاد جهت خانه‌دار شدن ایثارگران معزز تعداد ۹۷۲ قطعه زمین در کل استان که به صورت انفرادی، دو نفره و سه نفره قابل واگذاری است، شناسایی گردید و با توجه به همکاری ادارات کل راه و شهرسازی شمال و جنوب و پیگیری‌های بنیاد استان و شهرستان‌ها و آماده واگذاری به جامعه هدف و مشمولین این طرح است.

همچنین به ۷۱۴ نفر از ایثارگران معزز زمین واگذار شده است و تعداد ۲۲۸۰ ایثارگر مشمول واحد شرایط جهت طی مراحل بررسی فرم جیم و واگذاری زمین‌های شناسایی شده به ادارات کل راه و شهرسازی شمال و جنوب استان خصوصی و دولتی بوده است؛ همچنین تعداد ۱۰۰ نفر در کل استان کرمان بیش از ۸۵۰۰ ایثارگر مشمول دریافت زمین در قالب الویت اول و دوم داراست، بررسی ابتدایی فرم جیم همهٔ این عزیزان با توجه به تعاملات خوبی که در سطح استان فراهم گردیده است، بررسی و آماده می‌باشد.

استان کرمان در حوزهٔ اشتغال برای تحقق اهداف تفاهم‌نامه تانکنون چه اقداماتی انجام داده است؟

در راستای اجرای تفاهم‌نامهٔ اشتغال تا کنون ۴۵ جلسهٔ رسمی در استان، مرکز و همچنین شهرستان‌ها با استاندار، نمایندگان مجلس، مدیران شرکت‌های فولاد و مس برگزار گردیده که ماحصل آن جذب و به کارگیری تعداد ۴۸۸ نفر در شرکت‌های خصوصی و دولتی بوده است؛ همچنین تعداد ۱۰۰ نفر در شرکت‌های طرف قرارداد دستگاهی اجرایی استخدام شدند؛ علاوه بر این ۱۳۸ فقره وام اشتغال نیز جذب شده است؛ همچنین تعداد ۳ نفر از جامعهٔ هدف جهت پیگیری امورات مربوط به بحث اشتغال انتخاب گردیده‌اند.

برای تحقق اهداف تفاهم‌نامه چه مواعی سر راه شما قرار دارد؟

نظر به تفاهم‌نامهٔ بسیار خوبی که منعقد گردید و تقریباً بیش از ۸۰ درصد از شیئات و اختلاف‌نظر‌ها بین بنیاد شهید و اداره کل راه و شهرسازی مرتفع گردید، تعداد مشمولین قابل واگذاری زمین به یک باره به بیش از ۵ برابر مشمولین قابل افزایش پیدا کرد و لذا باعث شد تعداد مراجعین افزایش یابد و ظرفیت بانک زمین مسکن شهرسازی موجود در شهرها پاسخگوی کل این ظرفیت نباشد و لذا می‌بایست اقداماتی از جمله، وارد شدن به طرح‌های الحاقی، طرح‌های تغییر کاربری، پرداخت سرانه ایثارگر و استفاده از پروژه‌های انبوه‌سازی مدنظر قرار بگیرد.

طرح انبوه‌سازی با توجه به اینکه نیازمند سهم آوردهٔ ریالی قابل توجه‌ای از طرف ایثارگر است، پیشنهاد شد این سهم آورده همچون طرح مسکن اقدام ملی از محل فروش زمین‌های مازادی که در شهرهاست، توسط مسکن و شهرسازی تأمین گردد و وام‌های ۴ درصد بنیاد به اضافه ایثارگران زیر ۲۵ درصد که توانایی پرداخت سهم آورده را دارا هستند، به اجرایی شدن طرح انبوه‌سازی کمک کند.

از آسیب‌ها و موانع سر راه اشتغال می‌توان به عدم اجرایی دقیق قوانین و دستورالعمل‌های ایثارگری در بخش‌های خصوصی، عدم هماهنگی و اختصاص سهمیه‌های ۲۵ درصد در بخش‌های خصوصی، عدم آشنایی با فرهنگ کار و کار آفرینی در بین ایثارگران، نداشتن ضمانت و وثیقهٔ معتبر جهت دریافت تسهیلات اشتغال‌زایی و کار آفرینی و عدم تمایل به فراگیری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و راه‌اندازی کسب و کار اشاره کرد.

در هنگام امضای تفاهم‌نامه قرار بود دو نفر از جامعهٔ هدف ناظر بر اجرای پروژه‌ها باشند، در ارتباط با ناظران توضیح بفرمایید؟

در راستای اجرای پیگیری بندهای تفاهم‌نامه‌ها تعداد دو نفر اصلی که خود از فرزندان شهدا هستند، دو نفر هم از شرکت مس و فولاد و دو نفر هم از مسکن شهرسازی که جمعاً ۶ نفر هستند، مسئول پیگیری اجرای تفاهم‌نامه‌ها خواهند بود.

حیات طیه

جمعه ۲۲ مرداد ۱۴۰۰ / شماره ۴۸۱

در سفر معاون فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران به خوزستان مطرح شد:

حسینیه‌های شهدا، مردمی بودن خود را حفظ کنند



معاون فرهنگی و آموزشی بنیاد شهید و امور ایثارگران روز جمعه ۱۵ مرداد به منظور دیدار با خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران وارد استان خوزستان شد. «سردار یعقوب سلیمانی» در ابتدای این سفر با حضور در گلزار مطهر شهدای اهواز: ضمن قرائت فاتحه به مقام والای شهدا ادای احترام کرد.

معاون فرهنگی و آموزشی بنیاد شهید و امور ایثارگران در ادامه با همراهی مسئولان بنیاد خوزستان از مجموعه فرهنگی، رفاهی و ورزشی طلائیه بازدید کرد و در جریان اجرای طرح توسعه و افزایش امکانات رفاهی و تفریحی این مجموعه قرار گرفت. وی همچنین در سفر به شهرستان آبادان با حضور در گلزار مطهر شهدا ضمن تجدید میثاق با شهدا، با مدیران استانی بنیاد شهید و امور ایثارگران آبادان درباره مسائل فرهنگی گفت‌وگو کرد.

سردار سلیمانی با خانوادهٔ شهید مدافع حرم «عارف کاید خورده» و آزادهٔ سرافراز «حاج ملا صالح قاری» در آبادان دیدار و گفت‌وگو کرد.

معاون فرهنگی و آموزشی بنیاد شهید و امور ایثارگران در این دیدارها از ایثار و از خودگذشتگی خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران تجلیل و برای این عزیزان از درگاه الهی سلامتی و توفیق مسألت کرد.

«سردار یعقوب سلیمانی» در دیدار با «حجت‌الاسلام والمسلمین سید عبدالنبی موسوی فرد» -نمایندهٔ ولی‌فقیه در استان خوزستان- گفت: خوزستان پایتخت دفاع مقدس است که سالیان زیادی میزبان مدافعان کشور بوده و بعد از دفاع مقدس هر ساله میزبان رانرین امام حسین (ع) است.

معاون فرهنگی و آموزشی بنیاد افزود: خوزستان قدمگاه بخش اعظمی از شهدای ما است و بسیاری از شهدا در این سرزمین گام نهاده‌اند. شهدا و ایثارگران در مسیر معامله با خداوند بزرگ از جان و مال و خانواده‌های خود گذشتند و این جانفشانی و از خودگذشتگی باعث سربلندی و افتخار برای میهن اسلامی شد و ما مسئولان و خادمان شهدا این عزت و افتخار و سربلندی را مدیون و مروهون جانفشانی این عزیزان می‌دانیم.

وی افزود: در استانهٔ ماه محرم توفیقی برای تجدید میثاقی دوباره با شهدای گلگون کفن خوزستان حاصل شد و امیدواریم با هماهنگی مسئولان استانی برنامه‌های باشکوهی در سالروز ورود آزادگان و در ادامهٔ آن هفتهٔ دفاع مقدس در خوزستان برگزار شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین موسوی‌فرد -نمایندهٔ ولی‌فقیه در استان خوزستان- نیز در این دیدار ضمن گرامیداشت یاد و خاطرهٔ تمام شهدا و تبریک سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی، اظهار کرد: ما پایتخت جبهه و جنگ هستیم و امام خمینی (ره) فرمودند: «خوزستان دین خود را به اسلام ادا کرد.» سعادتِ بالاتر از شهادت برای ما انسان‌ها نیست و راه شهادت برای مدافعان میهن باز است.

معاون فرهنگی و آموزشی بنیاد شهید و امور ایثارگران همچنین در دیدار با مدیرکل صدا و سیمای استان خوزستان گفت: با توجه به میانگین سنی بالای ایثارگران به خصوص والدین معزز شهدا و اینکه علاقه و دسترسی کمتری به فضای مجازی دارند، رسانهٔ ملی راه ارتباطی و رسانهٔ اصلی این عزیزان است.

وی به سخنان رهبر معظم انقلاب دربارهٔ ترویج فرهنگ ایثار و شهادت اشاره کرد و از عملکرد صدا و سیمای استان خوزستان در جهت ترویج و توسعهٔ این فرهنگ تقدیر کرد.

«عبدالرضا فرجیان» -مدیرکل بنیاد شهید و امور ایثارگران استان خوزستان- نیز در این نشست با اشاره به جشنوارهٔ سیمِرخ، گفت: در جشنوارهٔ سیمِرخ از مداران شهدا «علی هاشمی» و «سجاد باوی» تقدیر شد و خوشبختانه تلاش‌های شبانه‌روزی صدا و سیمای خوزستان در جهت حفظ یاد و خاطرهٔ شهدا و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت است.

رحیمی -مدیرکل صدا و سیمای استان خوزستان- نیز ضمن قدردانی از مسئولین بنیاد شهید و امور ایثارگران تأکید کرد: امروز که فرهنگ غرب به دنبال فرسایش فرهنگ ملت ماست و می‌کوشد روحیهٔ مقاومت را از ما بگیرد، آنچه بیش از هر چیز به ما کمک می‌کند تا بتوانیم روحیهٔ ایمان و معنویتمان را حفظ کنیم، شهیدان هستند؛ باید زندگی شهدا را هنرمندانه برای مردم بازگو کنیم.

معاون فرهنگی و آموزشی بنیاد شهید و امور ایثارگران در سفر به استان خوزستان با جانبازان ۷۰ درصد خوزستانی دیدار و گفت‌وگو کرد.

سردار یعقوب سلیمانی در این دیدار صمیمی گفت: جانبازان جنگ تحمیلی سلامتی خود را برای آسایش و امنیت این کشور در جنگ هشت‌ساله تقدیم نظام کردند و مسئولان وظیفه‌دارند تکريم از این عزیزان را به جا آورند. آسایش، امنیت و آرامشی که در کشور وجود دارد، حاصل از خودگذشتگی و فداکاری جانبازان و خانواده‌های معظم شهدا است و همهٔ ما وظیفه داریم در مقابل آن‌ها ادای احترام کنیم.

معاون فرهنگی و آموزشی بنیاد شهید و امور ایثارگران سپس به دیدار مادر شهیدان گرانقدر «ابراهیم و اسماعیل فرجوانی» از شهدای دوران دفاع مقدس رفت و ضمن گرامیداشت یاد و خاطرهٔ شهدا، برای این مادر شهید که در دوران هشت سال دفاع مقدس در پشت جبهه، فعالیت زیادی در پشتیبانی از رزمندگان انجام داد و هم‌اکنون در بستر بیماری است، آرزوی سلامتی و تندرستی کرد.

سردار یعقوب سلیمانی همچنین در بازدید از حسینیهٔ آل‌مبارک از حسینیه‌های استان خوزستان گفت: حسینیه‌های شهدا باید مردمی بودن خود را حفظ کنند و بنیاد شهید و امور ایثارگران در این مسیر باید به صورت پشتیبان وارد شود. حسینیه‌های شهدا باید شهیدان را بیشتر از قبل زنده نگه می‌دارند و از هر کاری که یاد شهید را برای ما تداعی کند، نباید دریغ کنیم.

معاون فرهنگی و آموزشی بنیاد در پایان از خانوادهٔ شهیدان «محمدرضا آل مبارک» و «محمود رشیدیان» به عنوان بانیان حسینیهٔ شهدا در خوزستان و جانباز نخیه «عطاءالله مقامسی» تقدیر کرد.

حیات طیه

قابل توجه خوانندگان محترم:

هفته‌نامه حیات طَیبه فقط روزهای جمعه منتشر می‌شود. ضمناً کلیه شماره‌های نشریه را می‌توانید از پایگاه خبری حیات به آدرس www.hayat.ir دریافت نمایید. نشریه آماده دریافت اخبار، انتقادات و پیشنهادهای شما می‌باشد.

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران

مدیر مسئول: رضا حاجی آبادی / اداره کل روابط عمومی و اطلاع رسانی سامانه دریافت پیامک: ۰۲۷۹ ۲۰۰۰ رایانامه : info@isaar.ir آدرس: خیابان آیت ا... طالقانی، خیابان ملک الشعراء بهار، پلاک ۵، طبقه اول چاپ و لیتوگرافی: چاپخانه کوثر

معاون رئیس جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران گفت: خدمت در بنیاد شهید و امور ایثارگران زمینه زیارت امام حسین (ع) و شهدا را برایمان فراهم می‌کند و حرکت شهدا و ایثارگران کشورمان در امتداد مسیر امام حسین (ع) و شهدای کربلا است.

«مهندس سعید اوحدی» روز دوشنبه ۱۸ مرداد در نشست شورای معاونین بنیاد شهید و امور ایثارگران، ضمن تسلیت فرا رسیدن ایام عزاداری شهادت امام حسین (ع) و یاران وفادارش گفت: پیامبر (ص) در وصف مقام امام حسین (ع) فرموده‌اند که: «إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ الْنَجَاةِ»؛ حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است، زمانی انسان به سمت نور حرکت می‌کند که در ظلمت قرار گرفته باشد و وقتی به دنبال کشتی نجات می‌گردد که در گرداب بلا قرار گرفته باشد و این موضوعات نشان‌دهندهٔ جایگاه بسیار عظیم امام حسین (ع) است.

وی افزود: تجلی عشق و علاقه به امام حسین

نمایندهٔ ولی‌فقیه در بنیاد شهید و امور ایثارگران با بیان اینکه بنیاد سال‌هاست که هیچ گونه نقشی در مدیریت بیمارستان امام خمینی (ره) کرج نداشته است، افزود: روز گذشته جلسه‌ای برای رسیدگی به مشکلات اجرایی این بیمارستان برگزار شد که طی آن بنیاد برای قبول مدیریت بیمارستان اعلام آمادگی کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین یوسفعلی شکری با اشاره به سابقهٔ ادارهٔ بیمارستان امام خمینی (ره) کرج توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران گفت: این بیمارستان در سالیان گذشته توسط شورای همیاری استان تهران اداره می‌شد اما چون ادارهٔ این مجموعه به خوبی انجام نشد، با درخواست خود این شورا ادارهٔ بیمارستان طی صورتجلسه‌ای رسمی به بنیاد شهید و امور ایثارگران واگذار شد.

وی افزود: بنیاد شهید و امور ایثارگران اقدام به تجهیز بیمارستان امام خمینی (ره) کرد و این مجموعه شروع به خدمات‌رسانی به جامعهٔ معزز ایثارگری و عموم مردم شهرستان کرد نمود. بعد از طی زمانی، علی‌رغم تجهیزاتی که توسط بنیاد در این بیمارستان مستقر شده بود،

ششمین همایش سراسری تشکل‌های شاهد و ایثارگر صبح روز دوشنبه ۱۸ مردادماه با عنوان «نقش تشکل‌ها در توسعهٔ ابعاد فرهنگی خدمات بنیاد شهید و امور ایثارگران» آغاز به کار کرد.

نخستین‌روز از ششمین همایش تشکل‌های شاهد و ایثارگر سراسر کشور به‌صورت وبینار روز دوشنبه ۱۸ مرداد با حضور سردار «یعقوب سلیمانی» -معاون فرهنگی و آموزشی بنیاد شهید و امور ایثارگران-، «عادل مهری» -مدیرکل دفتر دانش‌پژوهان و تشکل‌های شاهد و ایثارگر- و جمعی از دبیران کل تشکل‌های ایثارگری و مسئولان بنیاد شهید و امور ایثارگران برگزار شد.

سردار سلیمانی در این مراسم ضمن گرامیداشت سالروز شهادت «شهید محسن حججی» و روز «شهدای مدافع حرم» و همچنین سالروز شهادت سرلشکر آزاده «حسین لشگری» با ۱۸ سال اسارت، به فلسفه وجودی تشکل‌های ایثارگری اشاره کرد و گفت: اگر روایتگری حضرت زینب (س)، مظلومیت حضرت رقیه (س) و فداکاری امام سجاد (ع) نبود،

امام صادق (علیه السلام):

کربلا را زیارت کنید و این کار را ادامه دهید، چرا که کربلا بهترین فرزندان پیامبران را در آغوش خویش گرفته است. (کامل الزیارات، ص ۲۶۹)

رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران:

حرکت شهدا و ایثارگران کشورمان در امتداد مسیر امام حسین (ع) و شهدای کربلا است



وی افزود: پیام اصلی نهضت امام حسین (ع) این است که زندگی با ظالمین، ننگ است و مرگ در برابر آن بسیار ارزشمند است و یکی از شرایط عصر ظهور هم این نکته است که انسان به این درجه برسد که زندگی با ظالمین، ننگ است. حجت‌الاسلام والمسلمین شکری تصریح کرد: عزاداری برای امام حسین (ع) نباید تنها منحصر به اعمالی ظاهری باشد بلکه این رفتار باید با عمق وجود او در آمیخته شود.

وظیفهٔ همهٔ ما حفظ و حراست از این دارایی‌هاست و باید در این مسیر، تمام تلاش خود را به کار گیریم. خوشبختانه در سال جاری هیأت امنای بنیاد شهید و امور ایثارگران تشکیل شد و مصوبات خوبی نیز در آن به تصویب رسید.

رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران در ادامه به ارائه توصیه‌های اجرایی خطاب به معاونان بنیاد شهید و امور ایثارگران پرداخت.

«حجت‌الاسلام والمسلمین یوسفعلی شکری» -نمایندهٔ ولی‌فقیه در بنیاد شهید و امور ایثارگران- نیز در این جلسه ضمن تسلیت فرا رسیدن دههٔ محرم گفت: شهدا تا آخرالزمان با مظلومیت و شهادت خود جهان را آمادهٔ پذیرش صلح می‌کنند. اگر حضرت مهدی (عج) بخواهد خود را توصیف کند، می‌فرماید: من پسر کسی هستم که با لب تشنه به شهادت رسید و این موضوع نشان‌دهندهٔ رسالت بزرگ شهادت امام حسین (ع) در بیدار کردن تمام نسل‌هاست.

نمایندهٔ ولی‌فقیه در بنیاد شهید و امور ایثارگران:

بنیاد شهید و امور ایثارگران آمادهٔ بر عهده گرفتن مدیریت بیمارستان امام خمینی (ره) کرج است

ایثارگران علی‌رغم مطالباتی که از مجموعهٔ مدیریت بیمارستان امام خمینی (ره) داشته و نهایت حسن نیت و تعامل را با این مجموعه به خرج داده است، افزود: متأسفانه در طول این مدت شاهد بودیم که این سوء مدیریت‌ها جهت فرافکنی به گردن بنیاد انداخته شده است و از حسن نیت بنیاد شهید و امور ایثارگران سوء استفاده شده است؛ در حالی که تاکنون بنیاد علی‌رغم حق قانونی خود از مطالبهٔ هرگونه وجهی بابت اجارهٔ بیمارستان پرهیز کرده است.

وی افزود: در تاریخ ۱۶ خرداد سال جاری جلسه‌ای پیرامون حل مشکلات این مجموعه برگزار شد که بنیاد طی این جلسه پذیرفت مجدداً مدیریت مجموعه بیمارستان امام خمینی (ره) را بر عهده بگیرد؛ اما متأسفانه باز هم کارشکنی‌هایی در این زمینه انجام شد و این مسأله اجرایی نشد تا روز گذشته جلسهٔ مجددی در این راستا برگزار شد و بنیاد مجدداً برای قبول مدیریت بیمارستان اعلام آمادگی کرد.



ادارهٔ بیمارستان امام خمینی (ره) از بنیاد شهید و امور ایثارگران پس گرفته شد و بعد از این اتفاق مجموعه بیمارستان با مشکلات متعددی مواجه گشت و بدهی چند صد میلیاردی بر مجموعه تحمیل شد.

نمایندهٔ ولی‌فقیه در بنیاد شهید و امور ایثارگران ادامه داد: بنیاد شهید و امور ایثارگران نیز به دلیل تجهیزاتی که در بیمارستان مستقر کرده بود، جزو طلبکاران بیمارستان به شمار می‌رفت که در ازای این طلب بخشی از ملکیت بیمارستان به بنیاد واگذار شد؛ اما تأکید می‌کنم که بنیاد شهید و امور ایثارگران در مدیریت این مجموعه کم‌ترین دخالتی نداشت؛ علاوه بر این، یکی از شرکت‌های وابسته به شرکت شاهد نیز در مقطعی اقدام به تأمین اقلام پزشکی و تجهیز این بیمارستان کرد است که بدهی‌هایی نیز به این دلیل ایجاد شده و همچنان جزو مطالبات بنیاد محسوب می‌شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین شکری با بیان اینکه بنیاد شهید و امور

می‌توانند اطلاعات اعضای هیأت‌مدیرهٔ خود را طی دو هفتهٔ آینده در این سامانه ثبت کنند و در مرحلهٔ دوم از ابتدای شهریورماه اهداف موردنظر طی دو ماه اطلاع‌رسانی شده و تشکل‌ها می‌توانند نسبت به جذب و دعوت از جامعهٔ هدف خود اقدام کنند.

عادل مهری با بیان اینکه تشکل‌ها بازوان اجرایی بنیاد هستند، تأکید کرد: بسیاری از خدمات می‌تواند از طریق خود تشکل‌ها به جامعهٔ هدف ارائه شود و سامانهٔ گنج شاهد امکانی را به همین منظور برای تشکل‌های شاهد و ایثارگر فراهم می‌کند.

مدیرکل دفتر دانش‌پژوهان و تشکل‌های شاهد و ایثارگر افزود: لازمهٔ مشارکت اجتماعی، آگاهی کامل مشارکت‌کنندگان نسبت به ضرورت مشارکت است که مستلزم فراهم‌شدن بستر مناسبی است تا شهروندان جامعه بتوانند به‌واسطهٔ آن به پرورش استعدادها و توانمندی‌های خود در راه دست‌یابی به توسعهٔ پایدار قدم‌های مؤثری را بردارند و این بستر می‌تواند از طریق حضور کمی و کیفی انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد جامعه انجام شود.

کربلا همان‌جا می‌ماند و فراموش می‌شد. معاون فرهنگی و آموزشی بنیاد شهید و امور ایثارگران افزود: ما باید در مسیر تداوم نهضت کربلا گام برداریم و مباحث فرهنگی را مبتنی بر گفت‌وتمان انقلاب قرار دهیم و با همراهی، همدلی، وحدت و هم‌فرازی در جهت تداوم راه شهدا و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت حرکت کنیم.

وی با بیان اینکه دفاع مقدس، تجلی‌گاه نصرت الهی، تفسیر آیات الهی و حقانیت نظام جمهوری اسلامی است، خاطرنشان کرد: دفاع مقدس از معتبرترین بخش‌های تاریخ است و دنیا از پنجرهٔ دفاع مقدس به جمهوری اسلامی ایران نگاه می‌کند. سلیمانی افزود: تشکل‌های شاهد و ایثارگر باید میدان‌دار مباحث فرهنگی باشند و در تمام فعالیت‌ها و برنامه‌های بنیاد شهید و امور ایثارگران مشارکت کنند. مدیرکل دفتر دانش‌پژوهان و تشکل‌های شاهد و ایثارگر نیز در ابتدای همایش با اشاره به طراحی سامانهٔ گنج شاهد در سه بخش نخبگان، تشکل‌ها و استارت‌آپ گفت: تشکل‌های شاهد و ایثارگر

معوقات مشمولان ماده ۳۸ قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران پرداخت می‌شود

امور ایثارگران بارگذاری شده و معوقات مربوطه بر این اساس پرداخت خواهد شد.

وی با اشاره به مصوبات مجلس شورای اسلامی مبنی بر تعیین زمان پرداخت معوقات ایثارگران و نیز تأمین اعتبار آن از محل پند واو تبصره ۲ قانون بودجه سال ۱۴۰۰ افزود: بنیاد شهید و امور ایثارگران در تلاش است با جلب همکاری دستگاه‌های ذیربط شامل مجلس شورای اسلامی، سازمان برنامه و بودجه و خزانه‌داری کل کشور ترتیبات لازم برای پرداخت این مطالبات به حق جامعه ایثارگری توسط این دستگاه‌ها در بازه زمانی مناسبتری انجام شود.

دستاوردهای عملیات قدس ۵

تصرف پاسگاه البج، تأمین بیشتر جادهٔ خندق، نزدیک‌شدن به شهرک البیضه از مهم‌ترین دستاوردهای عملیات بود؛ همچنین ۹ پاسگاه شناور در منطقهٔ غرب هورالهویزه توسط رزمندگان اسلام تصرف و آزاد شد؛ از سوی دیگر دشمن مجبور به انهدام پاسگاه مرکزی القهار به هنگام عقب‌نشینی به ساحل شهرک البیضه شد. در این عملیات ۳۰ کیلومتر مربع از مناطق اطراف هور از جمله سمت چپ جادهٔ خندق و سمت راست پاسگاه بلاله تأمین شد به گونه‌ای که نیروهای خودی به ۲ کیلومتری البیضه رسیدند و در خطوط پدافندی جدید مستقر شدند.

دشمن در این عملیات شش تا هفت ردیف سیم خاردار به کار برده بود، ۷۰۰ متر میدان مین داشت و مجهز به تک لول ضدهوایی، دو قبضه خمپاره‌انداز و مقادیری مهمات بود؛ همچنین نیروهای گردان سوم تیپ ۲۰ کماندویی حذیفه را روانهٔ عملیات قدس کرد به‌دند تا در مقابل سربازان عبور ایران اسلامی بجنگند؛ همچنین ۱۶۸ تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شده یا به اسارت درآمدند، مواضع به دست آمده در عملیات قدس ۵، پس از سه روز کاملاً تثبیت شد.

(ص) سمت راست پاسگاه البج، محور حمزه سید الشهدا (ع) در امتداد آبراه تنوک (دو طرف این آبراه نی‌هایی به ارتفاع حدود چهارهینمتر متر وجود داشت) و محور علی بن ابی طالب (ع) «) برای اجرای این عملیات، رزمندگان اسلام پیش از آن در یک رزمایش آبی-خاکی مانند منطقهٔ عملیاتی مورد نظر شرکت کردند تا نقاط ضعف و قوت مشخص شود و اشکالات و ایرادها برطرف گردد. با توجه به حساسیت پاسگاه «البج» که در سمت چپ پاسگاه «بلاله» و نزدیک خاردار به کار برده بود، ۷۰۰ متر میدان مین داشت و مجهز به تک لول ضدهوایی، دو قبضه خمپاره‌انداز و مقادیری مهمات بود؛ همچنین نیروهای گردان سوم تیپ ۲۰ کماندویی حذیفه را روانهٔ عملیات قدس کرد به‌دند تا در مقابل سربازان عبور ایران اسلامی بجنگند؛ همچنین ۱۶۸ تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شده یا به اسارت درآمدند، مواضع به دست آمده در عملیات قدس ۵، پس از سه روز کاملاً تثبیت شد.

(ص) سمت راست پاسگاه البج، محور حمزه سید الشهدا (ع) در امتداد آبراه تنوک (دو طرف این آبراه نی‌هایی به ارتفاع حدود چهارهینمتر متر وجود داشت) و محور علی بن ابی طالب (ع) «) برای اجرای این عملیات، رزمندگان اسلام پیش از آن در یک رزمایش آبی-خاکی مانند منطقهٔ عملیاتی مورد نظر شرکت کردند تا نقاط ضعف و قوت مشخص شود و اشکالات و ایرادها برطرف گردد. با توجه به حساسیت پاسگاه «البج» که در سمت چپ پاسگاه «بلاله» و نزدیک خاردار به کار برده بود، ۷۰۰ متر میدان مین داشت و مجهز به تک لول ضدهوایی، دو قبضه خمپاره‌انداز و مقادیری مهمات بود؛ همچنین نیروهای گردان سوم تیپ ۲۰ کماندویی حذیفه را روانهٔ عملیات قدس کرد به‌دند تا در مقابل سربازان عبور ایران اسلامی بجنگند؛ همچنین ۱۶۸ تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شده یا به اسارت درآمدند، مواضع به دست آمده در عملیات قدس ۵، پس از سه روز کاملاً تثبیت شد.

اهمیت پاسگاه البج و تدارکات عملیات قدس ۵

برای انجام عملیات قدس ۵، شناسایی منطقه حدود یک ماه توسط نیروهای اطلاعات و شناسایی در سه محور به شرح زیر انجام شد: «محور محمد رسول الله